

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۲۱

عوامل موثر بر انتخاب داوطلبانه حسابرس

دکتر یحیی حساس یگانه

استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

رسول حیدری

کارشناس ارشد حسابداری

چکیده

با توجه به تئوری نمایندگی، پیش بینی می شود با افزایش اندازه، اهرم بدهی و هزینه حقوق و دستمزد کارکنان شرکت (کاهش کنترل در سازمانهای سلسله مراتبی)، احتمال انتخاب داوطلبانه حسابرس با کیفیت بالا در مجمع عمومی عادی شرکت، افزایش یابد. لذا در این تحقیق با انتخاب ۳۴۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، انتخاب حسابرس با کیفیت بالا با توجه به متغیرهای بالا مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمونها نشان می دهد بین اندازه شرکت و انتخاب حسابرس با کیفیت بالا رابطه معکوس وجود دارد، ولی بین میزان بدهی و هزینه حقوق و دستمزد کارکنان شرکت و کیفیت حسابرس منتخب رابطه ای مشاهده نگردید. کیفیت حسابرسی انجام شده، با استفاده از شاخص تعدیل سنواتی که توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) ارایه شده، محاسبه گردیده و به عنوان متغیر جایگزین کیفیت حسابرس منتخب در نظر گرفته شده است.

واژه های کلیدی: انتخاب حسابرس، کیفیت حسابرسی، کیفیت حسابرس منتخب.

مقدمه

این پژوهش براساس تئوری نمایندگی^۱ که توسط جنسن و مک لینگ^۲ (۱۹۷۶) و فاما^۳ (۱۹۸۰) ارائه شد و توسط واتز^۴ (۱۹۷۷)، واتز و زیمرمن^۵ (۱۹۷۹) و اسمیت و وارنر^۶ (۱۹۷۹) بسط یافت، انجام شده است.

در سالهای اخیر متقدان زیادی ادعا می کنند که مدیران شرکتهای در مورد انتخاب حسابرسان مستقل اعمال نظر می کنند، همان طور که چنین انتقادی را به مقوله استاندارد گذاری هم وارد می کنند.

کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا خواهان افشاء هر چه بیشتر روابط بین حسابرسان و صاحبکاران و مدیران است. حتی کنگره آمریکا نیز نگرانی خود را در این زمینه بیان کرده است.

مدیران و سهامداران تلاش می کنند تا تضاد منافعشان را با یکدیگر به حداقل برسانند، بنابراین متقاضی حسابرسی مستقل هستند. با توجه به تئوری نمایندگی استدلال می شود که این تضاد منافع و انتقال ثروت با تغییر اندازه، بدهی و سلسله مراتب شرکت تغییر می کند.

در شرکت های بزرگ با توجه به جدایی مدیریت از مالکیت و همچنین گسترش و توسعه ابعاد و اندازه شرکتهای، مدیران مالک بخش کوچکی از سهام شرکت تحت مدیریت خود هستند، بنابراین ممکن است آنها منابع را به گونه ای تخصیص دهند که منافع سهامداران تامین نشود. در ضمن هر چه سهم مدیران از سهام شرکت تحت مدیریتشان کاهش یابد، انگیزه مدیران در این راستا افزایش خواهد یافت. در بازارهای آزاد و رقابتی سهامداران از این موضوع (موضوع انتقال ثروت از مالکان به مدیران) آگاهند و این هزینه مورد انتظار را، با استفاده از روش پاداش مدیران، حسابرسی مستقل و ... کنترل می کنند.

1 - Agency Theory
 2 - Jensen and Meckling
 3 - Fama
 4 - Watts
 5 - Zimmerman
 6 - Smith and Warner

مبانی نظری تحقیق

فرضیه های توجیه کننده تقاضای حسابرسی

فرضیه هایی که تقاضا برای خدمات حسابرسی را شرح می دهند، متکی بر مفروضات بنیادی بسیاری است که لزوماً با واقعیت ها و پدیده های عالم بیرونی و بینش بدیهی انسان ها، همسو نیست. ولی معیار مناسب برای پذیرش یا رد فرضیه ها، میزان سازگاری موجود میان پیش بینی های به عمل آمده با شواهد برخاسته از عمل حسابرسی است. انجمن حسابداری آمریکا^۱ (۱۹۷۳) عوامل توجیه کننده تقاضا برای خدمات حسابرسی را به شرح زیر بیان می کند:

- ۱- وجود تضاد منافع بین تهیه کننده و استفاده کننده اطلاعات.
- ۲- پیامدهای اقتصادی با اهمیت برای استفاده کنندگان.
- ۳- پیچیدگی موضوع و فرایند حسابرسی.
- ۴- عدم دسترسی مستقیم استفاده کنندگان به اطلاعات.

تقاضا برای خدمات حسابرسی : الزام یا اختیار

مفاهیم بنیادی حسابرسی پایه های اصلی فرضیه های توجیه کننده تقاضا برای خدمات حسابرسی است، در حال حاضر، بسیاری از واحدهای اقتصادی انتفاعی و دستگاه های دولتی از خدمات حسابرسی استفاده می کنند. با مشاهده چنین وضعیتی به خودی خود می توان استنباط کرد که خدمات حسابرسی از دید دریافت کنندگان آن، با ارزش محسوب می شود. با این حال کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا تهیه و گواهی صورت های مالی را الزام نموده است. این الزام قانونی سبب شده تا گروهی ادعا کنند که عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی تنها به دلیل وجود قوانین و مقررات الزام آور است. در حالی که در دوره پیش از تشکیل کمیسیون بورس و اوراق بهادار نیز تقاضای واحد های اقتصادی خارج از مضمون این قوانین برای استفاده داوطلبانه از خدمات حسابرسی، وجود داشته است و اگر دامنه بررسی شواهد مربوط به وجود بازار خدمات حسابرسی از مرزهای آمریکا فراتر رود، می توان با نوعی نگرش جهانی و تاریخی نسبت به این بازار و

ماهیت آن، پیشینه ارائه خدمات حسابرسی را به ۵۰۰ تا ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در کلان شهر آتن در یونان باستان ردیابی کرد. طی قرون وسطی، گسترش مبادلات تجاری در کشورهای اروپایی، نیاز به خدمات حسابرسی را بیش از پیش مطرح کرد. از میان کشورهای اروپایی آن زمان، حسابرسی در کشور ایتالیا رشد و گسترش چشمگیری یافت و از آن به عنوان ابزاری برای آزمون و تأیید اعتبار پاسخگویی ناخدایان کشتی های تجاری در برابر صاحبان سرمایه استفاده شد. در سال ۱۸۴۴ میلادی، دولت انگلستان قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، اگرچه صاحبان سهام واحدهای اقتصادی مکلف به ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده گردیدند، اما اختیار تصمیم گیری در مورد استفاده از خدمات حسابرسان مستقل برای اجرای عملیات رسیدگی، به خود صاحبان سهام تفویض شده بود. با این حال، باید توجه داشت که اقدام به عمل آمده از سوی دولت انگلستان تنها تلاشی برای رسمیت بخشیدن به فعالیتی بود که بیشتر واحدهای اقتصادی آن زمان برای استفاده داوطلبانه از خدمات حسابرسی به عمل می آوردند و از این رو قانون مزبور دگرگونی چندانی در عرصه الزامات حاکم بر گزارشگری مالی به وجود نیاورد، اما نمی توان از آن به عنوان عاملی جهت توجیه تقاضا برای خدمات حسابرسی یاد نکرد، بلکه تنها می توان ادعا کرد که قانون ۱۸۴۴ میلادی بستر لازم برای افزایش تقاضا برای اینگونه خدمات را فراهم ساخت. (والاس، ۱۹۸۷)

حسابرسی به مفهوم نظارت و بازرسی، در ایران و اسلام به زمانی باز می گردد که منبعی (اعم از مالی یا غیر مالی) رجایی وجود داشته است. هرگاه انتقال ثروت مطرح شده، نوعی نظارت و بازرسی نیز با خود همراه داشته است. خصوصاً نظارت حکومت بر اعضا و کارکنان خود و تفتیش اعمال و رفتار والیان و مامورین دولتی از دیرباز وجود داشته و شاید بتوان گفت سابقه آن نزدیک و همراه سابقه تشکیل جوامع اولیه و حکومتها است. (حساس یگانه، ۱۳۸۴)

پیشینه تحقیق

در باره عامل مؤثر بر تقاضای حسابرسی دو جریان پژوهش و مطالعه صورت گرفته است.

- ۱- پژوهش ها و مطالعات نظری
- ۲- پژوهش ها و مطالعات تجربی

پژوهش‌ها و مطالعات نظری به خصوصیات مشخصی مانند ساختار سرمایه، ارتباطات مالک و مدیر و اندازه اشاره دارند. بنابراین با توجه به تغییر این متغیرها، تقاضا برای حسابرسی متفاوت می‌شود. (ان جی^۱، ۱۹۷۹، والاس^۲ ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷)

پژوهش‌ها و مطالعات تجربی محدودی در زمینه تقاضای حسابرسی صورت گرفته است و مشکل اصلی این محدودیت این است که قوانین دولتی باعث می‌شوند که حسابرسی صورتهای مالی اجباری شود. به عبارت دیگر وقتی حسابرسی اجباری است، معمولاً اطلاعات کمی از خصوصیات و ویژگی‌هایی که باعث تقاضای داوطلبانه حسابرسی می‌شوند، وجود دارد.

چاو^۳ (۱۹۸۲) از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک در سال ۱۹۲۶ که در آن سال حسابرسی اجباری نبود ولی ارائه صورتهای مالی اجباری بود، استفاده کرد. او با انجام آزمون بر روی ۱۶۵ شرکت بورسی و خارج از بورس در آمریکا به این نتایج دست یافت که با افزایش میزان اهرم بدهی تقاضای داوطلبانه جهت خدمات حسابرسی افزایش می‌یابد و فرضیه مربوط به اندازه شرکت و به کارگیری داوطلبانه حسابرس نیز در تحقیق وی بصورت ضعیف تایید شد. ولی به علت عدم وجود اطلاعات در مورد سهم مالکیتی مدیریت، فرضیه مربوط به سهم مالکیتی مدیریت و بکارگیری داوطلبانه حسابرس قابل آزمون نبود.

عبدلخالیک^۴ (۱۹۹۳) شرکت‌های تک مالکی فعال در بخش خصوصی آمریکا که ملزم به حسابرسی اجباری نبودند را مورد مطالعه قرار داد. وی با مطالعه بر روی ۱۰۳ شرکت تک مالکی فعال در بخش خصوصی آمریکا به این نتیجه رسید که با افزایش سلسله مراتب و لایه‌های سازمانی در این شرکتها مالکان به طور داوطلبانه مبادرت به تقاضای خدمات از حسابرسان مستقل می‌کنند.

بارفیلد^۵ در سال ۱۹۹۳ ارتباط بین انتخاب حسابرس (خدمات اطمینان بخش) را با ویژگی‌های شرکت در شرکتهای تولیدی خصوصی با تعداد کارکنان کمتر از ۱۰۰ نفر را

1 - N.G

2 - Wallace

3 - Chow

4 - Abdel - Khalik

5 - Barefield

مورد مطالعه قرار داد و به همان نتایجی که عبدالخالیک دست یافته بود، رسید. (جعفری، ۱۳۸۵)

محققان دیگر نیز موضوع انتخاب مؤسسه حسابرسی و ارتباط آن با ویژگی های صاحبکار را مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

سیمونیک و استین^۱ در سال ۱۹۸۷ انتخاب مؤسسه حسابرسی (انتخاب از بین هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی در مقایسه با انتخاب از سایر موسسات حسابرسی) توسط صاحبکاران آمریکایی که برای اولین بار در سال ۱۹۸۱ وارد بورس شده اند (IPO^۲ ها) را آزمون کردند. و به این نتیجه رسیدند که یک رابطه با اهمیتی بین درصد مالکیت غیر مدیریتی و احتمال انتخاب مؤسسه حسابرسی از بین هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی وجود دارد. همچنین، آنها دریافتند رابطه مثبتی بین اندازه شرکت و احتمال انتخاب حسابرسی از بین هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی وجود دارد. در ضمن طبق نتایج این تحقیق، احتمال انتخاب از بین هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی با کاهش مقدار بدهی در ساختار سرمایه کاهش می یابد. (جعفری، ۱۳۸۵)

فرانسیس و ویلسون^۳ (۱۹۸۸) نمونه ای از شرکت های آمریکایی که حسابرسی شان را تغییر داده بودند و می خواستند حسابرسی جدیدی را انتخاب کنند را با توجه به ویژگی های صاحبکار، مورد پژوهش قرار داده اند. آنها به این نتیجه رسیدند که بین درصد مالکیت مدیران و احتمال انتخاب حسابرسی جدید رابطه با اهمیتی وجود دارد ولی رابطه ای بین اندازه شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرسی جدید نیافتند.

بی تی^۴ (۱۹۸۹) با انجام پژوهشی به نتایج و شواهدی مشابه سیمونیک و استین (۱۹۸۷) دست یافت و به این نتیجه رسید که شرکتهای عرضه اولیه (IPO) تمایل دارند حسابرسان خود را از بین هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی انتخاب کنند تا عدم تقارن اطلاعاتی در عرضه اولیه سهام این شرکتها کمتر گردد و باعث شود ارزش گذاری کمتر از واقع در زمان انتشار اولیه ایجاد نگردد.

1 - Simunic and Stein

2 - Inited Public offering (IPO)

3 - Francis und Wilson

4 - Beaty

بلک ول و دیگران^۱ (۱۹۹۸) با پژوهش بر روی ۲۱۲ شرکت خصوصی به این نتیجه رسیدند که در صورت ثابت بودن سایر شرایط، شرکتهای که صورتهای مالی حسابرسی شده ارایه می دهند نسبت به شرکتهای که صورتهای مالی حسابرسی شده ارایه نمی دهند، نرخ بهره کمتری پرداخت می کنند و منافع ناشی از این، با افزایش اندازه شرکت کاهش می یابد. به عبارت دیگر، منافع حاصل از کاهش بهره (بواسطه حسابرسی) با افزایش اندازه شرکت کاهش می یابد.

کری و دیگران^۲ (۲۰۰۱) با بررسی ۱۸۶ شرکت خانوادگی از نظر تقاضا برای حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل، به این نتیجه رسیدند که بکارگیری حسابرس داخلی از حسابرس مستقل رایج تر است و استفاده از حسابرسان داخلی که از بیرون شرکت تامین می شوند (برون سپاری) مرسوم تر است و همچنین در این تحقیق مشخص شد که سهم مدیریتی خانواده در این نوع شرکتهای و بدهی شرکتهای، بر تقاضای حسابرسی مستقل تاثیر دارد در حالی که این دو متغیر بر تقاضای حسابرسی داخلی تاثیر ندارد.

سنکو و دیگران^۳ در سال ۲۰۰۱ بعد از برداشته شدن اجبار حسابرسی در سال ۱۹۹۴ در کشور کانادا تحقیقی را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که اکثر شرکتهای بخش خصوصی بعد از این قانون هنوز حسابرس و حسابرسی خود را حفظ کرده اند. همچنین میزان سلسله مراتب و احتمال حفظ حسابرس و حسابرسی شدن، در شرایط اختیاری، رابطه مستقیمی وجود دارد. در ضمن بین سایر خدمات ارایه شده توسط حسابرسان و احتمال حفظ حسابرس در شرایط اختیاری رابطه مستقیمی وجود دارد و همچنین عدم اجبار به حسابرسی شدن موجب نمی شود که شرکتهای برای بستانکاران صورتهای مالی حسابرسی نشده تهیه کنند زیرا عدم ارایه صورتهای مالی حسابرسی نشده، می تواند منجر به افزایش بهره از طرف بستانکاران شود. (جعفری، ۱۳۸۵)

های و دیویس^۴ در سال ۲۰۰۴ با مطالعه بر روی ۳۸۰ شرکت در نیوزلند به این نتیجه رسیدند که شرکتهای با اندازه بزرگتر و نسبت بدهی و نسبت هزینه حقوق دستمزد به درآمد

1 - Blackwell et al

2 - Carey et al

3 - Senkow et al

4 - Hay and Davis

بیشتر، مبادرت به انجام حسابرسی با کیفیت ترمی کنند و حسابرسان خود را از بین حسابرسان مشهورتر و بزرگتری انتخاب می کنند. (جعفری، ۱۳۸۵)

بیان مسئله و فرضیه ها

هزینه های نمایندگی که ناشی از تلاش های سهامداران برای کنترل مدیران است، اغلب هزینه سنگینی است. مطالعات قبلی نشان می دهند که حسابرسی (یا خدمات مشابه) با افزایش هزینه نمایندگی (انتقال ثروت) که با افزایش اندازه و اهرم بدهی یا مالکیت کم مدیریت ایجاد می شود، رابطه دارد. (چاو و ۱۹۸۲، بلك و ۱۹۹۸، کری ۲۰۰۱)

شواهد نشان می دهد با افزایش نیاز کنترلی، شرکتهای صاحبکار تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسان با کیفیت بالاتر دارند. همچنین با افزایش اندازه، هزینه حقوق و دستمزد، بدهی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت صاحبکار، تقاضا برای حسابرسی افزایش می یابد. (های و دیویس، ۲۰۰۵)

وقتی شرکتهای بزرگتر می شوند، میزان و احتمال انتقال ثروت نیز افزایش یافته و در نتیجه نیاز به کنترل و نظارت افزایش می یابد. بنابراین تقاضای خدمات حسابرسی بیشتر شده و به تبع آن تقاضا برای حسابرس با کیفیت تر افزایش خواهد یافت. در نتیجه این سوال مطرح می شود که:

آیا با افزایش اندازه شرکت (سایز)، مجمع شرکت صاحبکار، حسابرس با کیفیت تری را جهت حسابرسی انتخاب می کند؟

بستانکاران شرکت با افزایش میزان مطالباتشان از شرکت صاحبکار تقاضای حسابرسی با کیفیت تری را خواهند داشت. زیرا بستانکاران جهت حفظ هر چه بیشتر منافع خویش و آگاهی آنان از این مسئله که مالکان درصدد انتقال ثروت هستند، مبادرت به تحمیل این هزینه انتظاری از طریق مطالبه بهره بالاتر خواهند کرد و مالکان نیز از آگاهی بستانکاران مطلع هستند و برای اینکه بستانکاران را از بابت عدم انتقال ثروت مطمئن کنند، تقاضای دریافت خدمات حسابرسی مستقل می کنند و به تبع آن حسابرس مستقل با کیفیت تری را انتخاب خواهند نمود. به عبارت دیگر با وجود اینکه بستانکاران با ابزار دیگر از منافعشان در شرکت حفاظت می کنند (مانند انواع قراردادهای)، معهذ این نوع حفاظت، هم برای مالکان و هم برای بستانکاران پر هزینه است. بنابراین هر دو گروه تمایل دارند تا منافعشان

را از طریق خدمات حسابرسی مستقل و حسابرسان مستقل با کیفیتتر حفظ کنند. در نتیجه این سوال مطرح می شود که:

آیا با افزایش بدهی (بستانکاران) شرکت صاحبکار، مجمع شرکت صاحبکار، حسابرس با کیفیت تری توسط شرکت انتخاب می شود؟

هنگامی که یک کارگزار (مثل یک کارمند) وجود دارد که بدنبال منافع شخصی خود است، کنترل و ایجاد محدودیت مهم می شود و انتظار می رود وقتی تعداد کارکنان و سلسله مراتب و لایه های مدیریتی شرکت و میزان حقوق پرداختی به کارکنان افزایش می یابد تقاضا جهت خدمات حسابرسی و به تبع آن حسابرس با کیفیت تر افزایش یابد. به عبارت دیگر، مدیریت با رشد سازمان و افزایش لایه های اجرایی و کارمندان جهت کنترل، خدمات حسابرسی بیشتر و با کیفیت تری را تقاضا خواهد کرد. هزینه حقوق بیشتر نسبت به درآمد در یک شرکت به واسطه کارمندان بیشتر و لایه های مدیریتی بیشتر ایجاد می شود و بنابراین هزینه نمایندگی بیشتر خواهد شد. در نتیجه این سوال مطرح می شود که: آیا با افزایش تعداد کارکنان و لایه های مدیریتی (حقوق و دستمزد)، مجمع شرکت صاحبکار، حسابرس با کیفیت تری را جهت حسابرسی انتخاب می کند؟

فرضیه های تحقیق

با توجه به پرسشهای مطرح شده در قسمت بیان مسئله، فرضیه های تحقیق به شکل زیر قابل صورت بندی است:

فرضیه اول:

بین اندازه شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرس با کیفیت تر توسط مجمع شرکت صاحبکار، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم:

بین نسبت بدهی به دارایی شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرس با کیفیت تر توسط مجمع شرکت صاحبکار، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم:

بین نسبت هزینه حقوق دستمزد به درآمد شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرس با کیفیت تر توسط مجمع شرکت صاحبکار، رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی و نحوه اجرای تحقیق

با توجه به دسته بندی تحقیقات بر اساس هدف تحقیق، از آنجا که تحقیق حاضر به دنبال آزمون تجربی نظریه نمایندگی درباره انتخاب حسابرس است، لذا بر اساس هدف، این تحقیق در زمره تحقیقات بنیادی قرار می گیرد.

روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق از نظر گردآوری داده ها، توصیفی از نوع همبستگی و به صورت تحلیل رگرسیون خواهد بود.

روش آزمون فرضیه ها و مدل های تحقیق

مدل بکار برده شده در تحقیق مدل رگرسیون چندگانه می باشد که به صورت زیر است:

$$QCA = \beta_0 + \beta_1 TA + \beta_2 \left(\frac{TD}{TA}\right) + \beta_3 \left(\frac{TS}{TR}\right)$$

QCA = کیفیت حسابرس منتخب

TA = اندازه^۱ شرکت صاحبکار

$\frac{TD}{TA}$ = نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها شرکت صاحبکار

$\frac{TS}{TR}$ = نسبت کل هزینه حقوق و دستمزد به کل درآمد شرکت صاحبکار

مدل فرضیه اول:

$$QCA = \beta_0 + \beta_1 TA$$

مدل فرضیه دوم:

$$QCA = \beta_0 + \beta_2 \left(\frac{TD}{TA}\right)$$

مدل فرضیه سوم:

$$QCA = \beta_0 + \beta_3 \left(\frac{TS}{TR}\right)$$

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

کیفیت حسابرس انتخاب شده (QCA)

تعریف متداول از کیفیت حسابرسی به وسیله دی آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را ارزیابی بازار از احتمال این که یک حسابرس هم:

۱- موارد تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار را کشف کند و

۲- تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند، تعریف کرده است.

از نظر دی آنجلو، اگر حسابرسان تحریفهای با اهمیت موجود در صورتهای مالی حسابرسی شده را گزارش نموده باشند، آن وقت می توان ادعا کرد که حسابرسان:

۱- تحریفات موجود در صورتهای مالی را کشف نمودند (احراز شایستگی)، و

۲- از انگیزه کافی برای گزارشگری موارد تحریفات با اهمیت کشف شده برخوردار بوده اند (استقلال).

بدین دلیل برای اندازه گیری عینی کیفیت حسابرسی انجام شده، در این تحقیق از کشف با اهمیت تحریفات و گزارش آن در گزارش حسابرسی سالانه شرکتها استفاده شده است.

در این تحقیق برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از شاخص تعدیلات سنواتی یا اصلاح اشتباهات سنواتی استفاده می شود.

بنابر این، در این تحقیق برای اندازه گیری کیفیت واقعی حسابرسی از کشف تحریفات با اهمیت و گزارش آن در گزارش حسابرسی سالانه شرکتها استفاده شده است. به عبارت دیگر، درصد تحریف کشف شده و گزارش شده در گزارش حسابرسی به عنوان متغیر جانشین کیفیت حسابرسی بکار گرفته شده است که این درصد به صورت ذیل محاسبه می شود:

تحریف موجود در صورت مالی شرکت

عبارت است از تعداد تحریف با اهمیت کشف شده بعلاوه تعداد تحریف با اهمیت کشف نشده.

تعداد تحریف با اهمیت کشف شده

عبارت است از تعداد تحریف های با اهمیت موجود در صورت مالی شرکت صاحبکار که توسط حسابرس در رسیدگی به صورت مالی شرکت کشف و در گزارش حسابرس به عنوان بند شرط گزارش شده است. اینگونه تحریف گزارش شده توسط حسابرس در صورت مالی سال بعد در گردش سود و زیان به عنوان تعدیل سنواتی مشاهده شده است.

تعداد تحریف با اهمیت کشف نشده

عبارت است از تعداد تحریف های با اهمیت موجود در صورت مالی شرکت صاحبکار که توسط حسابرس کشف نشده و در گزارش حسابرس به عنوان بند شرط گزارش نشده است، ولی شامل اقلام تعدیلات سنواتی در صورت مالی شرکت مورد بررسی در سال بعد به عنوان اصلاح اشتباه سال قبل گزارش شده است.

درصد تحریفات کشف و گزارش شده (درصد موفقیت حسابرس)

عبارت است از تعداد تحریف کشف شده در صورت مالی شرکت صاحبکار تقسیم بر میزان تحریف موجود در صورت مالی شرکت ضرب در ۱۰۰.

جمع تعداد تحریف با اهمیت کشف شده در صورت مالی شرکت طی سالهای مورد رسیدگی

×۱۰۰ = در صد موفقیت حسابرس

جمع تعداد تحریف با اهمیت موجود در صورت مالی شرکت طی سالهای مورد رسیدگی

بدین منظور تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی به چهار دسته کلی طبقه بندی شده است. که عبارتند از:

۱- تحریف در برآوردهای حسابداری، مالیات، بیمه و عوارض

۲- عدم رعایت قوانین و مقررات بورس و تجارت

۳- بکارگیری نادرست رویه های حسابداری

۴- سایر تحریفات و اشتباهات

لازم به توضیح است که در بررسی موارد تحریف، اهمیت آنها نیز مد نظر قرار گرفته و از موارد کم اهمیت چشم پوشی شده است.

متغیرهای مستقل

۱- اندازه شرکت صاحبکار (Total Asset)

عبارت است از کل دارایی های شرکت صاحبکار که از صورتهای مالی حسابرسی شده و در اختیار صاحبان سهام، در سالهای مورد بررسی بدست آمده است. در این تحقیق کل دارایی های هر شرکت در سالهای مورد بررسی، از ترازنامه استخراج شده است.

۲- نسبت بدهی به دارایی شرکت صاحبکار (Total Debt ratio)

عبارت است از میزان کل بدهی ها به کل دارایی ها شرکت صاحبکار که اطلاعات آنها از صورتهای مالی حسابرسی شده و در اختیار صاحبان سهام، در سالهای مورد بررسی بدست آمده و به شرح زیر محاسبه گردیده است:

$$\frac{TD}{TA} = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارایی ها}}$$

۳- نسبت هزینه حقوق و دستمزد به درآمد صاحبکار (Total salary Ratio)

عبارت است از نسبت هزینه حقوق و دستمزد به کل درآمد شرکت صاحبکار که اطلاعات آنها از صورتهای مالی حسابرسی شده در سالهای مورد بررسی استخراج شده و به شرح زیر محاسبه گردیده است:

$$\frac{TS}{TR} = \frac{\text{جمع کل حقوق و دستمزد}}{\text{جمع کل درآمد یافروش}}$$

جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری از مجموع مشاهداتی که دارای ویژگی های زیر می باشند، انتخاب گردیده است:

۱- شرکت مربوطه در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

۲- صورتهای مالی حسابرسی شده و گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت برای سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ موجود باشد.

با توجه به ویژگیهای گفته شده ۳۴۲ شرکت، صورتهای مالی حسابرسی شده و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در دسترس داشتند که همگی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند.

نحوه جمع آوری داده ها

در این تحقیق با مراجعه به پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار و دیگر منابع اطلاعاتی معتبر مانند نرم افزار تدبیر پرداز، نرم افزار ره آورد نوین و لوحهای فشرده منتشره توسط سازمان بورس درباره اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس، اطلاعات لازم گردآوری شده و سپس با مراجعه به آنها نمونه مورد نظر انتخاب گردیده و در نهایت داده های مربوط به متغیرهای مدل جهت آزمون جمع آوری و مورد استفاده قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل آماری

جدول (۱) همبستگی اسپیرمن بین متغیرها

		QCA	TA	TDTA	TSTR
QCA	Correlation Coefficient	1.000	-0.254(**)	-0.034	0.089
	Sig. (2-tailed)		0.000	0.526	0.101
	N	342	342	342	339
TA	Correlation Coefficient	-0.254(**)	1.000	-0.168(**)	-0.428(**)
	Sig. (2-tailed)	0.000		0.002	0.000
TDTA	Correlation Coefficient	-0.034	-0.168(**)	1.000	0.251(**)
	Sig. (2-tailed)	0.526	0.002		0.000
TSTR	Correlation Coefficient	0.089	-0.428(**)	0.251(**)	1.000
	Sig. (2-tailed)	0.101	0.000	0.000	

جدول فوق همبستگی اسپیرمن بین متغیرها را نشان می دهد. بر اساس جدول فوق بین

کیفیت حسابرس انتخاب شده (QAC) و دارایی های شرکت صاحبکار همبستگی نسبتا بالایی وجود دارد ولی بین نسبت بدهی و نسبت هزینه حقوق و دستمزد به درآمد (فروش) با کیفیت حسابرس انتخاب شده (QAC) همبستگی پایینی وجود دارد .

جدول (۲) همبستگی پیرسون بین متغیرها

		QCA	TA	TDTA	TSTR
QCA	Pearson Correlation	1	-0.279(**)	0.068	0.047
	Sig. (2-tailed)	.	0.000	0.212	0.385
	N	342	342	342	339
TA	Pearson Correlation	-0.279(**)	1	-0.222(**)	-0.141(**)
	Sig. (2-tailed)	0.000	.	0.000	0.009
	N	342	342	342	339
TDTA	Pearson Correlation	0.068	-0.222(**)	1	0.927(**)
	Sig. (2-tailed)	0.212	0.000	.	0.000
	N	342	342	342	339
TSTR	Pearson Correlation	0.047	-0.141(**)	0.927(**)	1
	Sig. (2-tailed)	0.385	0.009	0.000	.

جدول همبستگی پیرسون نیز همبستگی بین متغیرها را نشان می دهد. براساس این جدول هم بین کیفیت حسابرس انتخاب شده (QAC) و دارایی های شرکت صاحبکار همبستگی نسبتا بالایی وجود دارد ولی بین نسبت بدهی و نسبت هزینه حقوق و دستمزد به درآمد (فروش) و کیفیت حسابرس انتخاب شده (QAC) همبستگی پایینی وجود دارد .

جدول (۳) نتایج آزمون آماری فرضیه اول

QCA: کیفیت حسابرس انتخاب شده (متغیر وابسته)				
TA: کل دارایی ها (متغیر مستقل)				
Prob.	t-آماره	انحراف معیار	ضریب	متغیر
0.0000	13.43737	9.914568	133.2257	C
0.0000	-5.357515	0.773860	-4.145968	TA

سایر آماره های مدل			
80.50193	میانگین متغیر وابسته	0.077848	مجذور ضریب همبستگی (r)
23.16980	انحراف معیار متغیر وابسته	0.075136	مجذور ضریب همبستگی (r) تعدیل شده
28.70296	آماره F	22.28236	انحراف معیار رگرسیون
0.0000	مقدار Prob آماره F	168811.1	مجموع مجذور پس مانده ها
		1.99	دور بین - واتسون

همانگونه در جدول فوق مشاهده می شود در سطح معنی دار ۵ درصد و با توجه به prob خروجی نرم افزار Eviews (0.000) نتیجه گیری می شود که فرضیه H1 با ضریب اطمینان بالای ۹۵ درصد رد نمی شود و با توجه به عدد مجذور ضریب همبستگی می توان چنین بیان کرد که اندازه شرکت صاحبکار (TA) اثر معنی داری بر انتخاب حسابرسان با کیفیت (QCA) دارد.

جدول (۴) نتایج آزمون آماری فرضیه دوم

QCT: کیفیت حسابرسان انتخاب شده (متغیر وابسته)				
نسبت بدهی به دارایی (متغیر مستقل)				
Prob.	آماره t-	انحراف معیار	ضریب	متغیر
0.0000	58.83048	1.357203	79.84497	C
0.2110	1/253075	0.253075	0.664123	$\frac{TD}{TA}$
سایر آماره های مدل				
80.50193	میانگین متغیر وابسته	0.004597	مجذور ضریب همبستگی (r)	
23.16980	انحراف معیار متغیر وابسته	0.001669	مجذور ضریب همبستگی (r) تعدیل شده	
1.570196	آماره F	23.15045	انحراف معیار رگرسیون	
0.211040	مقدار Prob آماره F	182220.7	مجموع مجذور پس مانده ها	
		1.99	دور بین واتسون	

همانگونه در جدول فوق مشاهده می شود در سطح معنی دار ۵ درصد و با توجه به prob خروجی نرم افزار (۰/۲۱۱۰) نتیجه گیری می شود که فرضیه H1 با ضریب اطمینان بالای ۹۵ درصد رد می شود و با توجه به بسیار پایین بودن عدد مجذور ضریب همبستگی می توان چنین بیان کرد که مقدار نسبت بدهی شرکت صاحبکار اثر معنی داری بر انتخاب حسابرس با کیفیت (QCA) ندارد.

جدول (۵) نتایج آزمون آماری فرضیه سوم

QCA: کیفیت حسابرس انتخاب شده (متغیر وابسته)				
نسبت هزینه حقوق و دستمزد به درآمد (متغیر مستقل)				
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t-	Prob.
C	80.47787	1.263608	63.68894	0.0000
$\frac{TS}{TR}$	0.069681	0.080031	0.870680	0.3845
سایر آماره های مدل				
مجذور ضریب همبستگی (r)	0.002244	میانگین متغیر وابسته	80.55416	
مجذور ضریب همبستگی (r) تعدیل شده	-0.000716	انحراف معیار متغیر وابسته	23.20119	
انحراف معیار رگرسیون	23.20950	آماره F	0.758084	
مجموع مجذور پس مانده ها	181535.4	مقدار Prob آماره F	0.384549	
دور بین واتسون	1.99			

همانگونه در جدول فوق مشاهده می شود در سطح معنی دار ۵ درصد و با توجه به prob خروجی نرم افزار نتیجه گیری می شود که فرضیه H1 با ضریب اطمینان بالای ۹۵ درصد رد می شود و با توجه به بسیار پایین بودن عدد مجذور ضریب همبستگی می توان چنین بیان کرد که مقدار نسبت هزینه حقوق و دستمزد به درآمد شرکت صاحبکار اثر معنی داری بر انتخاب حسابرس با کیفیت (QCA) ندارد.

تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

نتایج فرضیه اول:

فرضیه اول: بین اندازه شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرس با کیفیت تر توسط مجمع شرکت صاحبکار، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحقیقات انجام شده توسط محققانی مانند چاو (۱۹۸۲)، فرانسیس و ویلسون (۱۹۸۸) و های و دیویس (۲۰۰۵) نشان می‌دهد با افزایش دارایی‌های و اندازه شرکت، شرکت حسابرس با کیفیت تری را انتخاب خواهد کرد و یا رابطه‌ای بین دارایی‌ها و اندازه با انتخاب حسابرس با کیفیت تر وجود ندارد.

تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران این رابطه معکوس است. به عبارت دیگر، با افزایش دارایی‌های شرکت، مجمع عمومی شرکت‌ها حسابرس با کیفیت تری را انتخاب نمی‌کنند و حسابرسی انجام شده از کیفیت بالاتری برخوردار نیست.

این موضوع شاید به این دلیل باشد که با بزرگ شدن (افزایش دارایی‌ها) شرکت‌ها، منافعی که سهامداران شرکت‌ها، از عدم انتخاب حسابرس با کیفیت تر خواهند برد، از انتخاب حسابرس با کیفیت تر بیشتر است.

به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد سهامداران با عدم انتخاب حسابرس با کیفیت تر و در نتیجه عدم رعایت درست و کامل استانداردها و رویه‌های حسابداری و قوانین و مقررات مربوطه منافع بیشتری را کسب می‌کنند. علوم انسانی
این منافع، چه منافعی است؟، چگونه بدست می‌آیند؟ و سوال‌هایی نظیر این سوال‌ها می‌تواند مبنای تحقیق دیگری باشد.

نتایج فرضیه دوم:

فرضیه دوم: بین نسبت بدهی به دارایی شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرس با کیفیت تر توسط مجمع شرکت صاحبکار، رابطه معناداری وجود دارد.

طبق یافته‌های تحقیقات انجام شده توسط محققان دیگر مانند چاو، (۱۹۸۲)، بلک و ول و همکاران (۱۹۹۸) کری، سیمنت و تانوسکی (۲۰۰۰)، های و دیویس (۲۰۰۵) با افزایش

میزان بدهی های شرکت، شرکت مبادرت به استفاده از حسابرسان با کیفیت تر می کند. (جعفری، ۱۳۸۵)

ولی برخلاف یافته های تحقیقات پیشین، طبق نتایج این تحقیق بین میزان بدهی ها و انتخاب حسابرس با کیفیت رابطه ای وجود ندارد.

این موضوع در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این علت صورت نمی گیرد که سهامداران شرکت ها تشخیص می دهند، در شرایط فعلی انتخاب یا عدم انتخاب حسابرس با کیفیتتر (و نوع گزارش حسابرسی او) تاثیری بر رفتار وام دهندگان جهت اعطای وام نخواهد داشت. لذا در ارزیابی اعتبار و ریسک شرکت تاثیری چشم گیری نخواهد داشت.

نکته دیگر اینکه در ایران در حال حاضر در اکثر بانکها با دریافت وثیقه های سنگین ملکی و غیره ریسک عدم پرداخت وام را پوشش داده می شود و به نظر می رسد که کمتر بر گزارش های حسابرسی برای دادن وام اتکا می کنند. در نتیجه صاحبکاران حسابرسی و بانکها به دنبال حسابرسی با کیفیت تر نیستند.

نتایج فرضیه سوم:

فرضیه سوم: بین نسبت هزینه حقوق و دستمزد به درآمد شرکت صاحبکار و انتخاب حسابرس با کیفیت تر توسط مجمع شرکت، رابطه معناداری وجود دارد. یافته های تحقیقات و پژوهشهای قبلی مانند عبدل خالیک (۱۹۹۳)، بارفیلد (۱۹۹۳)، های و دیویس (۲۰۰۵) و مبانی نظری مطرح شده در این باره بیان می کند با افزایش لایه های مدیریتی و تعداد کارکنان، احتمال اینکه مدیریت ارشد نتواند از ضایع شدن منابع شرکت جلوگیری نماید، افزایش می یابد. زیرا با افزایش تعداد کارکنان و لایه های مدیریتی، کنترل کاهش می یابد و عدم انجام وظایف محوله به کارکنان و ترمد آنها افزایش می یابد. سهامداران به علت تضاد منافع و انتقال ثروت، تمایل دارند با انتخاب حسابرسان با کیفیت تر از این امر جلوگیری کنند.

ولی تحلیل داده ها در این تحقیق وجود این رابطه را نشان نمی دهد و با این رابطه بسیار ضعیف است. دلیل این امر را می توان چنین بیان نمود که در ایران به علت فرهنگ حاکم سازمانی، زیاد بودن فاصله قدرت و در نتیجه عدم تفویض مسئولیتها، انتقال ثروت مطرح

شده در مبانی نظری و تحقیقات پیشین وجود ندارد و سهامداران نیز از این مسائل بخوبی آگاهند و در تصمیم‌گیری جهت انتخاب حسابرس، این مقوله را در نظر می‌گیرند و نگرانی از بابت انتقال ثروت ندارند.

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سهامداران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از بابت هزینه نمایندگی و انتقال ثروت احساس نگرانی نمی‌کنند. به عبارت دیگر، سهامداران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از روش‌های دیگر برای کاهش هزینه‌های نمایندگی و انتقال ثروت استفاده می‌کنند. بنابراین، سهامداران جهت استفاده از خدمات باکیفیت‌تر حسابرسی، احساس نیاز نمی‌کنند.

محدودیت‌های تحقیق

در این تحقیق به دلیل اینکه کل جامعه در دو سال ۸۴ و ۸۵ بررسی شد در جمع‌آوری داده‌ها محدودیت‌های زیر وجود داشت.

- ۱- عدم دسترسی به صورتهای مالی و گزارش حسابرس قانونی تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس.
- ۲- عدم ارائه جزئیات مربوط به تعدیلات سنواتی در یاداشتهای توضیحی صورتهای مالی بعضی از شرکتهای.
- ۳- غیر قابل استخراج بودن هزینه حقوق و دستمزد کارکنان مربوط به بعضی از شرکتهای.
- ۴- متفاوت بودن هزینه حقوق و دستمزد بعنوان بخشی از بهای تمام شده کالا و یا خدمات ارائه شده توسط شرکتهای.
- ۵- یکسان نبودن ساختار و نوع سهامداران و اهداف آنها از سهامداری (سهامداران دولتی و سهامداران غیر دولتی).
- ۶- استفاده از ارزش تاریخی (بهای تمام شده) جهت محاسبه اندازه شرکت.

پیشنهاد‌های حاصل از یافته‌های تحقیق

در این تحقیق مشخص شد که دو عامل میزان بدهی‌ها و هزینه حقوق دستمزد شرکت صاحبکار در انتخاب حسابرس با کیفیت‌تر تأثیری ندارد. از طرفی بر خلاف یافته‌های

تحقیقات پیشین اندازه شرکت نیز بطور معکوس با انتخاب حسابرس با کیفیت تر رابطه دارد.

استفاده کنندگان از صورتهای مالی حسابرسی شده با علم به این مطلب که تغییر متغیرهای مستقل پژوهش پیش رو باعث انتخاب یا عدم انتخاب حسابرسان با کیفیت تری می شود، از نوع حسابرسی انجام شده با خبر می شوند. در نتیجه متناسب با نیازشان از آن استفاده خواهند کرد.

بنابراین استفاده کنندگان از صورتهای مالی حسابرسی شده، مخصوصا سرمایه گذاران، با نظر به نتایج حاصل از تحقیقات در سایر کشورها، نباید استدلال کنند که اگر اندازه، بدهی و هزینه حقوق و دستمزد کارکنان شرکت زیاد باشد، شرکتها ی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از حسابرسان با کیفیت تری استفاده کرده اند و صورتهای مالی حسابرسی شده آنها قابل اعتمادتر است.

کینی (۱۹۸۸) بیان می کند که ماهیت و میزان تضاد منافع بسته به هرشرکتی متفاوت است. در نتیجه تقاضای آنها برای خدمات حسابرسی متفاوت خواهد بود. موسسات حسابرسی برای پاسخگویی به این تقاضاهای متفاوت خودشان را بر اساس شهرت و... متمایز می کنند تا به انواع این تقاضاها پاسخگو باشند. (جعفری، ۱۳۸۵)

با توجه به مطلب کینی (۱۹۸۸)، اعضا جامعه حسابداران رسمی ایران نیز می توانند این مبحث را در نظر بگیرند که عوامل بیان شده در این پژوهش عوامل موثر بر تقاضاهای مختلف شرکتها برای دریافت خدمات حسابرسی با کیفیت های متفاوت نمی باشد.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

با توجه به نتایج تحقیق پیش رو به نظر می رسد لازم باشد تا دلایل و عوامل موثر بر انتخاب حسابرس در مجمع عمومی عادی بررسی گردد و مشخص شود که آیا واقعا دلیل اینکه در مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکتها ی بورسی حسابرس انتخاب می گردد، به واسطه الزام قانونی می باشد یا اینکه واقعا منفعی (عدم انتقال ثروت و یا ...) از این بابت نصیب شرکت و به تبع آن نصیب سهامداران شرکت می گردد؟ اگر منفعی نصیب سهامداران می گردد، آن منافع، چه منفعی هستند؟ و اگر قابل اندازه گیری است، چه مقدار است؟ و آیا این مقدار منافع مکسبه از هزینه صرف شده جهت حسابرسی بیشتر است یا کمتر (تجزیه و تحلیل هزینه - منفعت)؟

- بنابراین به نظر می‌رسد انجام تحقیقات زیر در این راستا می‌تواند مفید باشد:
- رابطه انتخاب حسابرس و بستانکاران بین‌المللی شرکت.
 - رابطه انتخاب حسابرس و سابقه حسابرس در صنعت موضوع فعالیت شرکت.
 - رابطه انتخاب حسابرس و بازده اولیه شرکتهای تازه وارد به بورس (ipo).
 - رابطه انتخاب حسابرس با نوع اظهار نظر همان حسابرس در گزارش سال قبل.
 - رابطه تغییر حسابرس با تغییرات عمده در هیات مدیره.
 - رابطه انتخاب حسابرس با ارزش جاری داراییهای شرکت.
 - انجام همین پژوهش به روش سری زمانی
 - انجام همین پژوهش به روش پرسشنامه ای جهت محاسبه کیفیت حسابرسی انجام شده.



منابع و ماخذ

- ۱- انجمن حسابداری آمریکا، (۱۹۷۳)، بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، ترجمه علی نیکخواه آزاد، تهران، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۷.
- ۲- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۴)، فلسفه حسابرسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- جعفری، علی، (۱۳۸۵)، عوامل موثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداری رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۴- والاس، وندا.ا. (۱۹۸۷). نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و تحت نظارت، ترجمه حامی امیر اصلانی، تهران، سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱.
- 5- Abdel-Khalik, A.R. (1993). Why Do Private Companies Demand Auditing: A Case for Organizational Loss of Control. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*.8(1)
- 6- Beatty, R. (1989). Auditor Reputation and the Pricing of Initial Public Offerings. *Accounting Review*, 64 (4)
- 7- Blackwell, D. W. Noland, T. R. and Winters, D. B. (1998). The value of auditor assurance: Evidence from loan pricing. *Journal of Accounting Research*, 36 (1)
- 8- Carey, P., Simnett, R. and Tanewski, G. (2001). Voluntary Demand or Internal and External Auditing by Family Businesses, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19 (supplement).
- 9- Chow, C.W., (1982), The Demand for External Auditing: Size, Debt and Ownership Influences, *The Accounting Review*,
- 10- DeAngelo, L.E., (1981). Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3.
- 11- Fama, Eugene F., (1980). Agency Problems and the Theory of Firm, *Journal of political Economy*, 88 (2), pp. 228- 307.
- 12- Francis, J. R. and Wilson E. R., (1988). Auditor Changes: A Joint Test of Theories Relating to Agency Costs and Auditor Differentiation. *The Accounting Review*, (October).
- 13- Jensen Micheal, C., Meckling, William, H., (1976). Managerial Behavior , Agency costs and ownership , *journal of Financial Economics*.Vol 3, No.4.
- 14- Wallace, Wanda A. (1987). The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets: A Review. *Research in Accounting Regulation* 1.
- 15- Watts, Ross L. and Jerold L. Zimmerman. (1986). *Positive Accounting Theory*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی